مروری بر سختی‌های عملیات رمضان در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از رزمندگان حاضر در عملیات

«رمضان» نبرد تن و تانک در اوج گرمای تیر ماه بود

احمد محمدتبریزی

عملیات رمضان در تاریخ ۲۲ تیر ۱۳۶۱ در جبهه جنوبی و در شرق بصره، با هدف فرعی تهدید بصره از شرق و حضور در حاشیه شط‌العرب و با هدف اصلی اعمال فشار به عراق به جهت پایان عادلانه جنگ آغاز شد. در این عملیات که در چهار محور و پنج مرحله اجرا شد، نداشتن شناخت دقیق از وضعیت و استحکامات جدید نیروهای بعثی، موجب اخلال در اجرای عملیات شد. این عملیات ۴۵ روز پس از عملیات موفقیت‌آمیز بیت‌المقدس انجام شد و تجربه‌های تازه‌ای برای رزمندگان داشت. محمود نجیمی، از رزمندگان و پژوهشگران دفاع مقدس در جریان عملیات رمضان در تیپ امام حسین(ع) حضور داشت و از نزدیک شاهد سختی‌های عملیات بود. نجیمی در ادامه توضیحات کاملی درباره این عملیات می‌دهد.

قبل از انجام عملیات رمضان، وضعیت جبهه‌ها را برای انجام این عملیات چطور می‌دیدید؟

فرماندهان، نیروهایی را که از عملیات فتح‌المبین در جبهه حضور داشتند به مرخصی نفرستادند و گفتند عملیاتی در پیش است. عملیات بیت‌المقدس را انجام داده بودیم و برخی نیروها ۸۰، ۹۰ روز بود که به مرخصی نرفته بودند. پس از این عملیات در روز ششم، هفتم خرداد اسلحه و تجهیزاتمان را تحویل دادیم تا به مرخصی برویم. همان زمان حرف‌هایی بین فرماندهان رد و بدل می‌شد که قابل توجه بود. می‌گفتند زود برگردید چون این عملیات ادامه دارد. با شنیدن این حرف‌ها پس از آزادی خرمشهر، سریع ذهن‌ها به نزدیک‌ترین شهر کنار خرمشهر یعنی بصره می‌رفت. باید این نکته را ذکر کرد که در آزادی خرمشهر ما به تمام اهداف اصلی عملیات نرسیدیم. خرمشهر هدف بود و باید از اشغال در می‌آمد اما تمام هدف عملیات نبود. فرماندهان طرح عملیاتی داده بودند تا ما به شرق بصره برسیم و خودمان را به شط‌العرب بچسبانیم. به همین دلیل تمام اهداف عملیات اجرا نشد. ما در عملیات بیت‌المقدس، جنگ سختی انجام دادیم که نیروی زیادی از ما گرفت. نیروها در بعضی مناطق در محاصره افتادند و کلی شهید و جانباز دادیم. چون عملیات پیروزمندانه‌ای بود کسی به این مسائل نمی‌پردازد.

به همین دلیل طرح عملیاتی رمضان پس از بیت‌المقدس در دستور کار قرار گرفت؟

بله، فرماندهان پیش حضرت امام رفتند و جلسه شورای عالی دفاع را برگزار کردند. آقای رضایی می‌گوید حضرت امام فرمودند طرح‌هایتان را بدهید و فرماندهان شروع به صحبت می‌کنند. در آن جلسه بحث سر این بود که باید وارد خاک عراق بشویم یا نه. برخی فرماندهان و مسئولان سیاسی گفتند حالا که خرمشهر آزاد شد و صدام از کشور بیرون رفت نیاز به انجام چنین کاری نداریم و همینجا روی مرز بایستیم. البته هنوز بخش‌های استراتژیکی مثل تپه‌های حمرین در اختیار دشمن بود. یا بخشی از شلمچه را در بیت‌المقدس نتوانستیم آزاد کنیم و در اشغال دشمن قرار داشت. تعداد دیگری از مسئولان می‌گفتند آتش‌بس کنیم و جنگ تمام شود. صدام آن زمان حرفی از صلح نمی‌زد و فقط کلمه آتش‌بس را به کار می‌برد. آتش‌بس به هیچ عنوان به معنای صلح نیست. آتش‌بس یعنی فعلاً انگشت‌هایتان را روی ماشه نگذارید و هر کس هر کجا هست بایستد. این خودش یک جنگ طولانی است که ممکن است ۲۰ سال طول بکشد. عده‌ای دیگر می‌گفتند حمله کنیم و شهر بصره را بگیریم تا تکلیف جنگ مشخص شود. سه نظر مطرح شد و زمانی که بحث ایستادن روی مرزها مطرح شد حضرت امام فرمودند صدام قابل اطمینان نیست و اگر دوباره قدرت پیدا کند به ما حمله می‌کند. زمانی که بحث گرفتن بصره و چسبیدن به شط‌العرب مطرح شد امام فرمودند با این کار دنیا می‌گوید شما هم به خاک عراق تجاوز کرده‌اید و بعد اضافه می‌کنند که مردم غیرنظامی چه گناهی کرده‌اند که در جنگ کشته شوند. اینجا پیشنهاد فرماندهان سپاه این بود که ما در بصره به سمت مناطق مسکونی که مردم در آن زندگی می‌کنند نمی‌رویم. بنابراین از سال ۱۳۶۱ که ما وارد خاک عراق شدیم تا پایان جنگ می‌بینید که ما جز حلبچه به هیچ عنوان وارد شهرها و مناطق مسکونی نشدیم. حلبچه هم ما داخل شهر نرفتیم و شهر را دور زدیم و تنها از این شهر رد شدیم که مردم شهر از ما استقبال کردند. پس از آن بود که صدام با سلاح شیمیایی به مردم حلبچه حمله کرد. در فاو هم که عملیات انجام دادیم، این منطقه کاملاً نظامی بود و هیچ فرد غیرنظامی دیده نمی‌شد. ایده حضرت امام این نبود که جنگ را تمام کنیم چون هیچ کس به ایران پیشنهاد صلح نداده بود. پیشنهاد آتش بس داده بودند ولی آتش بس صلح نیست و بیشتر یک جنگ نیمه تمام است.

پس از این بررسی‌ها خودتان را برای عملیات رمضان آماده کردید؟

پس از عملیات بیت‌المقدس من از تیپ ۸ نجف به واحد پدافند هوایی تیپ امام حسین(ع) رفتم و در کمتر از ۱۰ روز پنج نوع ضدهوایی را به ما آموزش دادند. من جزو خدمه دوشکا شدم و به خط اول عملیات رفتم. آنجا دیگر خیلی چیزها را با چشمانم دیدم. در تیرماه خوزستان همه چیز را سراب می‌دیدیم و عملیات سختی در پیش داشتیم. گرمای هوا آنقدر زیاد بود که گاهی اوقات به بالای ۵۰ درجه می‌رسید و نمی‌شد در آن حرارت به فلز دست زد. عراقی‌ها هم در منطقه پاسگاه زید تا شلمچه شبانه‌روز میدان مین کار می‌گذاشتند و کار می‌کردند. فرمانده گردانمان شهید مهدی زیدی می‌گفت شلیک کنید و نگذارید آنقدر میدان مین کار بگذارند. شب تا صبح صدای کوبیدن نبشی و سیم خاردار می‌آمد. فعالیت عراقی‌ها در منطقه خیلی زیاد بود. دشمن میان ما نفوذی داشت و می‌دانست می‌خواهیم عملیات کنیم. چون دشمن می‌دانست ما شب تا صبح مرد میدان جنگ هستیم، می‌خواست شب را از ما بگیرد. برای اولین بار میدان مینی جلوی خودمان می‌دیدیم که بیش از میدان مین ورودی خرمشهر بود. بچه‌های شناسایی هم منطقه را شناسایی می‌کردند. منطقه عملیاتی آماده شده بود و رزمندگان آموزش‌های لازم را قبل عملیات دیده بودند. گردان به گردان به خط می‌آمدند و کادر فرماندهان را شناسایی می‌کردند. منطقه برای عملیات رمضان مهیا شده بود.

با این وضع ارتش بعث خودش را به طور کامل آماده عملیات کرده بود؟

عراقی‌ها قبلاً خاکریز زده بودند ولی در رمضان به شکل دیگری خاکریز زدند. اینجا عراقی‌ها پدافندشان را در زمین بردند. یعنی از زمین به عنوان سنگر استفاده کردند. کانال می‌کندند و داخل زمین سنگر می‌زدند. حتی خاکریز کوتاهی برای تانک‌ها زده بودند و فقط برجک تانک دیده می‌شد. عراقی‌ها می‌دانستند هدفمان بصره است. منطقه را به میدان مین وسیعی مسلح کرده بودند. از آن طرف فقط تانک و ادوات می‌دیدیم. هواپیماهای دشمن هم چند وقت یک بار برای شناسایی می‌آمدند. ۱۹ تیر ۱۳۶۱ مصادف با ماه رمضان و شب‌های قدر بود و همه برای عملیات آماده می‌شدند و رزمندگان راز و نیاز و مناجات می‌کردند. یکی از رزمندگان گفت امشب شب قدر است و خیلی از ما امشب امضای شهادتمان گرفته می‌شود و لحظات آخرمان را می‌گذرانیم و باید عهد و پیمان‌هایمان را ببندیم. اینجا چند اتفاق افتاد. بچه‌های تخریب یک شب قبل از عملیات میدان مین را باز کردند و به ما گفتند این چند شب اصلاً شلیک نکنید چون بچه‌ها رفته‌اند میدان مین را باز کنند. منطقه برای عملیات مهیا شد و ما پشت دژ مرزی مستقر شدیم. روز عملیات شکستن خط دشمن خیلی طول کشید. طول کشیدن شکستن خط دشمن یعنی دادن شهید و جانباز. این نشان از آمادگی عراقی‌ها می‌داد. پیشروی‌ها انجام شد و بچه‌ها تا پشت نهر کتیبان و پرورش ماهی رفتند اما اینجا یکی از یگان‌ها نتوانست معبرش را باز کند و سمت راست لشکر امام حسین خالی ماند. سمت چپ طرف پرورش ماهی پیشروی داشتیم و رزمندگان خودشان را تا پشت پرورش ماهی رساندند و مستقر شدند. دشمن از همان جناحی که رزمندگان نتوانسته بودند معبر بزنند، آمدند و بچه‌های ما را دور زدند و برای اولین بار یک عقب‌نشینی بی‌سابقه‌ای در عملیات‌هایمان انجام دادیم. حدود ۲۴ کیلومتر عقب‌نشینی داشتیم که در سال‌های اول جنگ بی‌سابقه بود. پشت خاکریزی نزدیک پاسگاه زید در تمام دشت بچه‌ها در حال عقب‌نشینی بودند. در آن گرد و خاک و گرما، تانک‌های عراقی شلیک کنان می‌آمدند و به هیچ کس رحم نمی‌کردند. حتی مجروحان ما را که قادر نبودند اسلحه دست بگیرند با تانک از روی‌شان رد می‌شدند. اینها را خودم در منطقه می‌دیدم. بالاخره بچه‌ها پشت خاکریز آمدند و من مجروحان را می‌دیدم که لب‌هایشان از شدت گرما و تشنگی ترک خورده است. این اوضاع عملیات رمضان بود. رزمندگان این سختی‌ها را با جان و دل می‌خریدند. مرحله اول پیروزی خاصی نداشتیم و تنها سه کیلومتر پیشروی کردیم. یک خاکریز به سختی توسط بچه‌های مهندسی زده شد. شهید هادی حبیب‌اللهی مسئول زدن این خاکریز بود. من شاهد حماسه‌های این فرمانده بودم. همچنین شاهد حماسه‌های شهید احمد کاظمی بودم که برای زدن خاکریز به بچه‌های زرهی‌اش گفت نفربرهایتان را بردارید و جلوی لودر و بولدوزرها گرد و خاک راه بیندازید تا تانک‌های عراقی این لودر و بولدوزرها را نبینند. بلندگو هم دستش گرفته بود و با فریاد به رزمندگان روحیه می‌داد. بچه‌ها در سخت‌ترین شرایط کار می‌کردند. من دیدم که با گلوله مستقیم راننده لودر را به شهادت رساندند. این خاکریزها با چنین سختی‌ای زده شد و عراقی‌ها خودشان را به آب و آتش می‌زدند تا این خاکریز را از ما بگیرند. من برای اولین بار آنجا دیدم گلوله آرپی‌جی به تانک‌ها اثر نمی‌کند و بعدها فهمیدم اینها تانک‌های تی ۷۲ هستند که دشمن برای اولین بار به منطقه آورده است.

> صدام آن زمان حرفی از صلح نمی‌زد و فقط کلمه آتش‌بس را به کار می‌برد. آتش‌بس به هیچ عنوان به معنای صلح نیست. آتش‌بس یعنی فعلاً انگشت‌هایتان را روی ماشه نگذارید و هر کس هر کجا هست بایستد. این خودش یک جنگ طولانی است که ممکن است ۲۰ سال طول بکشد

محمود نجیمی

با وجود شرایط سخت عملیات رزمندگان جانانه فعالیت می‌کردند؟

در جریان عملیات رمضان حماسه‌های زیادی خلق شد. رزمندگان تیپ امام حسین(ع)، تیپ نجف اشرف و تیپ حضرت رسول که نیروهایش تازه از لبنان برگشته بودند جانانه می‌جنگیدند. یادم است در جریان عملیات تعدادی از بچه‌های تهران پیش ما آمدند و ما به آنها گفتیم شما که به سوریه رفته بودید چطور خودتان را برای عملیات رساندید؟ گفتند ما تازه از سوریه آمدیم چون امام فرمودند راه قدس از کربلا می‌گذرد ما برگشتیم تا در جبهه‌های خودمان حضور داشته باشیم. این نیروها در جریان عملیات رمضان جنگ جانانه‌ای کردند. همچنین رزمندگان دزفولی، خوزستانی، قمی و مشهدی جانانه جنگیدند. بعضی از یگان‌های ارتش در حد توانشان کار کردند. تلفات خوبی هم از دشمن گرفته شد. برای اولین بار در این عملیات به موانعی از دشمن برخوردیم که بی‌سابقه بود. این موانع مثلثی‌ها بودند که ضلع هر کدام سه کیلومتر بود و جنگیدن در آن خیلی سخت بود. رزمندگان در این مثلثی‌ها گیر می‌افتادند و هر ضلعی را که پاکسازی می‌کردند عراقی‌ها از سمت دیگر حمله‌ور می‌شدند. رمضان عملیات خیلی سختی بود.

اگر ما فاصله زمانی کوتاه‌تری از عملیات بیت‌المقدس و عملیات رمضان را انجام می‌دادیم، احتمال موفقیتمان بیشتر می‌شد؟

نیروی عمل کننده ما در عملیات‌ها رزمندگان بسیجی و پاسدار بودند. پس از سه ماه جنگ سخت دیگر خیلی نمی‌شد روی این نیروها حساب کرد که بلافاصله پس از عملیات بیت‌المقدس دوباره وارد عمل شد. همه از لحاظ توان بدنی و جسمانی تحلیل رفته بودند. اگر دقیقاً بعد از سوم خرداد یعنی چهار و پنجم خرداد این عملیات را انجام می‌دادیم شاید تلفاتمان کمتر می‌شد و فرصت بازسازی را از عراقی‌ها می‌گرفتیم. این فرصت برای عراقی‌ها طلایی بود که فرماندهان هم به آن اشاره می‌کردند. یادم است در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس از عراقی‌ها اسیر گرفتیم و از او درباره وضعیت بصره پرسیدیم که به ما گفت تا بصره هیچ کس جلوی شما نیست. یعنی فرماندهان ما درست طراحی کرده بودند که ما بعد از بیت‌المقدس باید تا پشت شط‌العرب می‌رفتیم. منتها نیرو کم آوردیم و مسئولان سیاسی ما هم پشتیبان ما نبودند.

> وقتی دنیا دید رزمندگان ایرانی چطور با دست خالی و بدون پشتیبانی کشورهای دیگر با تاکتیک‌های ناشناخته توانستند در یک سال کل سرزمینشان را از اشغال دشمن خارج کنند، پس توان انجام کارهای بزرگ‌تر هم دارند ترسید. دشمنان روی اشغال خرمشهر حساب ویژه‌ای باز کرده بودند ولی آزادسازی این شهر تمام معادلات دشمن را به هم ریخت

به نظر می‌رسد پس از عملیات بیت‌المقدس هم دشمنان از قدرت رزمندگان ایرانی ترسیده بودند و تمام توانشان را برای حمایت از صدام گذاشتند؟

وقتی دنیا دید رزمندگان ایرانی چطور با دست خالی و بدون پشتیبانی کشورهای دیگر با تاکتیک‌های ناشناخته توانستند در یک سال کل سرزمینشان را از اشغال دشمن خارج کنند، پس توان انجام کارهای بزرگ‌تر هم دارند ترسید. دشمنان روی اشغال خرمشهر حساب ویژه‌ای باز کرده بودند ولی آزادسازی این شهر تمام معادلات دشمن را به هم ریخت. ما خرمشهر را با دست خالی آزاد کردیم و رهبران سیاسی کشورهای دیگر در اتاق‌های فکرشان نشستند و جلسه گذاشتند که باید چه کار کنیم. می‌ترسیدند اگر جلوی ایران نایستند و ایرانی‌ها بصره را بگیرند، به پیروزی خیلی بزرگی دست پیدا می‌کنند و سرنوشت جنگ به گونه دیگری رقم می‌خورد. به نظر من دشمنان دیگر فکر چنین چیزهایی را نکرده بودند. اصلاً تصورش را نمی‌کردند خرمشهر در عرض یک سال آزاد شود و رزمندگان به فکر عملیات‌های بعدی بیفتند. در هر صورت عراقی‌ها در عملیات رمضان ضعف‌های عملیات‌های قبلی‌شان را برطرف کردند. مثلاً سنگر مهمات‌هایشان را منفجر می‌کردند و تیربارهایشان را با خودشان می‌بردند تا به دست رزمندگان ایرانی نیفتد. یا تانک‌هایشان را بلااستفاده کرده بودند. فرماندهان به ما گفته بودند تانک‌ها را منفجر نکنید و یکی از ضرباتی هم که خوردیم از همین موضوع بود. عراقی‌ها از تانک‌ها بیرون آمده بودند و رزمندگان هنگام پیشروی از تانک‌ها عبور کردند و کمی بعد بعثی‌ها دوباره سوار تانک‌ها شدند و بچه‌ها را درو کردند. اینها اتفاقاتی بود که در این عملیات افتاد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۲۷

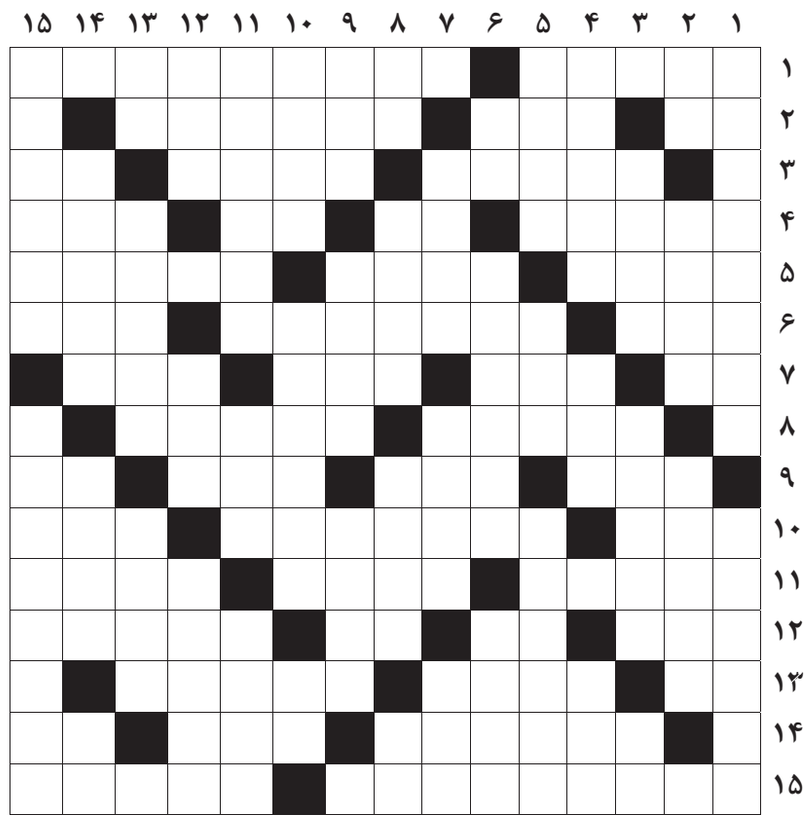

از راست به چپ

■ ۱- مقاله پژوهشی درباره یک موضوع- خدای یگانه در آیین زرتشت ■ ۲- عمو- وسیله صید ماهی- از دشمنان سرسخت پیامبر اکرم ■ ۳- گیاهی از تیره نعناعیان- بر قوای سه گانه نظارت دارد- قیمت بازاری ■ ۴- هلیم- فنی در کشتی- علامت مفعول- سالخورده ■ ۵- صحرایی در مصر- مجلس قانونگذاری روسیه- پی درپی ■ ۶- بالشتک نان‌پزی- مروت- دارو ■ ۷- شاه بی‌شین- کرکس- از آلات موسیقی- پرنده شکاری ■ ۸- طهارت و پاکی- مات و مبهوت ■ ۹- ماه فرورفتنی- کم پشت- بیماری خطرناک فصل گرما- کدو تنبل ■ ۱۰- سلاح زنبور- از محبوب‌ترین میوه‌های فصول گرم سال- سنگ زیرین آسیاب در کشاکش دهر ■ ۱۱- میسر بودن- برجستگی داخل مهره- قهوه‌ای روشن ■ ۱۲- قدرت و توان- ماه زمستانی- صفت عدد- شیرازی‌اش معروف‌تر است ■ ۱۳- بدی- برقرار- مشهور ■ ۱۴- بزرگراه- برف آذری- بهره و لذت ■ ۱۵- کشور آرامگاه رودکی- مدفن شهید مدرس

از بالا به پایین

■ ۱- ضبط کننده اطلاعات پرواز در هواپیما- پولی که به واسطه نشان دادن هنری بگیرند ■ ۲- زهر- پشته و تپه- سرسلسله گورکانی ■ ۳- الان- محصول کوبا- برجستگی لاستیک ■ ۴- مادر خشایار- دید و نگاه- آینده ■ ۵- خلق و خو- سرشب- دست‌نامه ■ ۶- باران اندک- فرار کردن- خشک ■ ۷- فضول همه آش- از موشک‌های ساخت ایران- نقطه اینترنتی ■ ۸- علامت جمع- زمان مرگ- دختر بینوایان- رمق آخر ■ ۹- پشم شتر- نام قدیم ویتنام- دریاچه‌ای در الموت ■ ۱۰- شهر و رودی در آلمان- ارابه- سفید آذری ■ ۱۱- در قدیم به خدمت سربازی می گفتند- بخشش بلاعوض- ماهی‌فروش ■ ۱۲- محبت- مار خطرناک- پشت سر ■ ۱۳- نگاه خیره- اجر- نمایش‌نامه نویس امریکایی خالق همه پسران من ■ ۱۴- پسر یزدگرد- رشوه دادن- از حروف مقطعه ■ ۱۵- کشتی سنتی آذری‌ها- بررسی دوباره چیزی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۹	۸	۶
			۷	۳	۶			
	۲	۱						
۴						۶	۳	۵
			۴		۳	۲		
۱		۸						
		۷		۸	۹			
				۴		۳	۵	۷
	۱	۵						

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۵۲۶

۶	۴	۷	۸	۵	۴	۹	۱	۴
۸	۹	۴	۴	۴	۱	۶	۵	۷
۴	۵	۱	۶	۷	۹	۸	۴	۴
۴	۶	۸	۹	۴	۵	۷	۴	۱
۷	۴	۶	۴	۱	۴	۸	۹	۵
۱	۴	۹	۵	۷	۶	۴	۸	۴
۹	۸	۴	۷	۹	۶	۱	۴	۵
۴	۸	۴	۷	۹	۶	۱	۴	۵
۱	۴	۹	۵	۴	۸	۷	۶	۴
۵	۷	۶	۴	۱	۴	۴	۹	۸